

**مرحله ی سوّم:** جسم انسان دوباره تبدیل به عناصر خاکی می شود. (يُمَيِّتُكُمْ)؛

**مرحله ی چهارم:** انسان در حیات برزخی به سر می برد. (برزخ، عالمی میانه ی عالم دنیا و قیامت است). (يُحْيِيكُمْ)؛

**مرحله ی پنجم:** انسان، در بهشت یا دوزخ، حیات ابدی و جاودانه می یابد. (إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ)

## ۲۹- مقصود از آسمان های هفت گانه:

از آیات قرآن چنین استفاده می شود که تمام ستارگان و سیاره هایی که ما می بینیم، جزء آسمان اوّل است و ماورای این آسمان، شش آسمان دیگر نیز وجود دارد که از محدوده ی دید و ابزارهای علمی ما بیرون است؛ شاهد این سخن، آیات شریفه ای است که می فرماید: «ما آسمان پایین را با چراغ های ستارگان زینت کردیم». (فصلت/۱۲) (صافات/۶) برخی نیز مراد از آسمان های هفت گانه را همان طبقات جوّ می دانند که دور زمین را احاطه کرده و امروز به آن «اتمّسفر» گفته می شود و چند طبقه بودن آن هم از نظر علم روز ثابت شده و قابل تردید نیست.

## پیام ها

۱- اولین و مهم ترین شرط همسر، پاکی و پاکیزگی است و شروط دیگر تحت الشعاع آن قرار دارد. «أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ» (آیه ۲۵)

۲- در بیان حقایق، شرم و خجالت پسندیده نیست. «لَا يَسْتَحْيِي» (آیه ۲۶)

۳- حقایق مهم را می توان با بیان ساده و مثال بیان نمود. «أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا» (آیه ۲۶)

۴- پرسش از عقل و فطرت مخاطبان، یکی از شیوه های تبلیغ و ارشاد است. «كَيْفَ تَكْفُرُونَ» (آیه ۲۸)

۵- از جمله ی «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ» (آیه ۲۹) استفاده می شود که:

۵/۱- هیچ آفریده ای در طبیعت بیهوده نیست؛ هر چند ما راه استفاده از آن را ندانیم.

۵/۲- دنیا برای انسان است؛ نه انسان برای دنیا.

۵/۳- بهره گیری از نعمت های زمین، برای همه ی انسان هاست؛ نه گروهی خاص.

۵/۴- چرخ و زمین بنده ی تدبیر توست / بنده مشو درهم و دینار را.

[پروین اعتصامی]

بسم الله الرحمن الرحيم

## واژگان

۱- لَا يَسْتَحْيِي: شرم ندارد، ملاحظه ای ندارد.

۲- الْفَاسِقِينَ: نافرمانان.

«فَسِق» در لغت به معنای «خارج شدن هسته از درون خرما» است و به همین جهت، به کسانی که از مسیر بندگی خداوند بیرون می روند، «فاسِق» اطلاق می شود.

۳- يَنْقُضُونَ (نَقَضَ: شکستن): می شکنند.

۴- ميثاق (مصدر میمی از ماده وثق): محکم کردن یا محکم شدن.

به معنای پیمانی که با سوگند و عهد تأکید شده باشد، نیز می آید.

۵- فَسَوَّاهُنَّ («تَسْوِيَةٌ»: برابر کردن، مرتب گردانیدن): پس آن ها را مرتب نمود.

در لغت به معنای تسلط، احاطه ی کامل و قدرت بر خلقت و تدبیر است.

## نکات تفسیری

### ۲۵/۱- رابطه ی ایمان و عمل صالح:

ایمان و عمل صالح در بسیاری از آیات قرآن، به عنوان دو بال مهم در رسیدن به سعادت اخروی در کنار هم مطرح شده اند. این نکته نشان گر آن است که این دو ارزش - که یکی مربوط به اعتقاد و دیگری مربوط به عمل می باشد - در یکدیگر تأثیر مستقیم دارند؛ به گونه ای که ایمان عمیق موجب فزونی عمل صالح و انجام اعمال صالح، سبب افزایش ایمان و گشوده شدن درهای بیشتری از حقیقت می گردد.

### ۲۵/۲- مراد از عبارت (هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلَ):

مؤمنان صالح هرگاه در بهشت نعمتی بیابند می گویند: این رزق را پیش از این نیز دریافت کرده ایم و مراد آنان توفیق ایمان و عمل صالح است که در دنیا بهره ی آنان شده بود و اکنون به صورت نعمت های بهشتی مجسم و ظاهر شده است.

### ۲۶/۱- خداوند از مثال‌های گوناگون ابایی ندارد:

الف) پنجاه مثل در قرآن: در قرآن حدود پنجاه مَثَل ذکر شده و خداوند گاهی به حیوانات و حشرات کوچکی مانند مگس (حج/۷۳) و عنکبوت (عنکبوت/۴۱) مثال زده است. ب) ایراد مشرکان: وقتی برخی از این آیات نازل شد، جمعی از مشرکان این مطلب را مایه‌ی ضعف قرآن دانسته و گفتند:

«چرا در یک وحی آسمانی سخن از عنکبوت و مگس به میان آمده است؟!»

خداوند نیز در جواب آنان این آیات را نازل نمود و این چنین پاسخ داد که:

خداوند از بیان چنین مثال‌هایی ابایی ندارد؛ زیرا:

اول: هدف وی از مثال زدن به چیزهای گوناگون، فهماندن حقایق و نزدیک کردن مفاهیم سخت هدایتی به فکر و ذهن افراد است.

دوم: در خلقت همین موجودات به ظاهر ناچیز، اسرار و شگفتی‌های فراوانی نهفته است.

ج) چرا به پشه مثال زد: امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

«خداوند به پشه مثال زد؛ زیرا به رغم کوچکی جثه‌اش، در آن علاوه بر تمام اعضاء و جوارحی که در فیل آفریده، دو عضو دیگر (شاخک‌ها و بال‌ها) را نیز آفریده است پس خدا خواست که بدین‌وسیله مؤمنین را، به لطافت خلقت و شگفتی آفرینش آگاه سازد».

### ۲۶/۲- اِضْلال (گمراه نمودن) و هدایت، دو گونه است:

عده‌ای از بهانه‌جویان این آیه را دلیلی بر عقیده‌ی جبر (نفی اختیار و آزادی انسان‌ها در انتخاب راه خوب و بد) دانسته‌اند؛ زیرا در آن خداوند می‌فرماید: «هر کسی را که بخواهد هدایت می‌کند و هر کسی را نیز بخواهد گمراه می‌سازد.» ولی باید توجه داشت که اِضْلال (گمراه نمودن) و هدایت، دو گونه است:

۱- هدایت و اِضْلال ابتدایی: خدای تعالی بشر را، هم از طریق فطرت و هم به وسیله دعوت انبیاء هدایت کرده و راه را یادشان داده است پس هدایت ابتدایی داریم اما اِضْلال ابتدایی نداریم و این همان عقیده‌ی جبر است که باطل می‌باشد و در شأن خدا نیست، زیرا همه هدایت ابتدایی دارند، و آن کسی که خدا می‌خواهد گمراهش کند کسی است که خودش راه ضلالت یعنی معصیت را پیموده و پشیمان هم نمی‌شود و آن کس که خدا هدایتش کرده کسی است که هدایت فطری خود را از دست نداده و بر آن اساس مشی می‌کند یا همواره در طاعت است.

۲- هدایت و اِضْلال مجازاتی: هدایت در این معنا، فراهم آوردن زمینه‌های بیشتر سعادت برای مؤمنان است که ما نام آن را توفیق می‌گذاریم. اِضْلال نیز، از بین بردن زمینه‌های هدایت برای کافران است؛ البته بدون این‌که جنبه‌ی اجباری به خود بگیرد؛ بلکه به این معنا که خداوند توفیق هدایت را از کسانی که با اراده‌ی خودشان راه فسق و فجور را انتخاب کرده‌اند، سلب کرده و زمینه‌ی فرورفتن بیشتر آنان در گمراهی را فراهم می‌کند. و از آن‌جا که این امر نتیجه‌ی مستقیم اعمال خود انسان‌هاست، با اختیار و آزادی آن‌ها کاملاً سازگار است.

### ۲۷/۱- فاسقان چه کسانی هستند؟

این آیه ما را در شناخت بیشتر فاسقان که از دایره‌ی اطاعت خدا خارج شده‌اند، یاری می‌نماید؛ زیرا برجسته‌ترین ویژگی‌های آنان را ذکر نموده است:

الف) آنان تمام پیمان‌هایی را که خدا به آن دستور داده است (اعم از پیمان بندگی خداوند، پیمان پیروی از پیامبر و اُثمّه اطهار و پیمان نیکی به خویشاوندان) می‌شکنند. ب) با کسانی که خداوند به ارتباط با آن‌ها دستور داده است (مانند خویشاوندان) قطع رابطه می‌کنند.

ج) به حقوق دیگران تجاوز کرده و در زمین فساد می‌کنند.

### ۲۷/۲- حدیث درباره‌ی صله رحم:

امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید: «پدرم به من فرمود:

«پسرم! با کسی که با فامیل خود ارتباط ندارد، دوست مشو؛ زیرا من او را در سه جای قرآن ملعون یافته‌م. سپس آیاتی را قرائت کرد». [که یکی از آن آیات همین آیه بود].

### ۲۸- پنج مرحله‌ی زندگی انسان:

در این آیه، مراحل زندگی انسان بیان شده است:

**مرحله‌ی اوّل:** انسان به صورت اجزاء طبیعی و عناصر گوناگون در زمین و طبیعت وجود دارد. (أَمْوَئاً) ؛

**مرحله‌ی دوّم:** انسان به صورت موجود زنده در می‌آید و در این مرحله است که تکالیف و احکام شرعی متوجه اوست. (فَأَخْيَاكُم)؛